تأثیر «گالری آپادانا» بر جریان نقاشی نوگرا در ایران

دکتر فاطمه شاهرودی*

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۰/۱۲/۱
تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۱/۳/۱۰

چکیده: در سال ۱۳۲۸ نخستین نگارخانه در ایران با نام «آپادانا،کاشانهٔ هنرهای زیبا» به همت محمود جوادی پور و کمک و همکاری حسین کاظمی و امیر هوشنگ آجودانی فعالیت خود را آغاز کرد. پیش از این، مکان ثابت و مشخصی برای نمایش آثار نقاشان نوگرا وجود نداشت و آثار این هنرمندان بیشتر در مراکز و انجمن های فرهنگی وابسته به کشورهای دیگر که در پایتخت فعال بودند به نمایش در می آمد.
مقاله حاضر با هدف بررسی تاثیرات «گالری آپادانا» بر «جریان نقاشی نوگرا» در ایران به نگارش در آمده است. نتایج پژوهش حاضر که با روش تحقیق توصیفی و تاریخی بدست آمده حاکی از آن است که اگرچه گالری آپادانا پس از مدت کوتاهی از تاسیس آن از فعالیت باز ایستاد اما نقش عمده ای در رشد و گسترش جریان هنر نوگرای ایران از خود به جای گذاشت. در واقع کارکرد گالری آپادانا تنها به فراهم آوردن مکانی برای نمایش و عرضه آثار پیشگامان نقاشی نوگرای ایران محدود نماند؛ این مرکز با انجام فعالیت های متنوعی چون برگزاری سخنرانی، کلاس های آموزش نقاشی، نمایش فیلم و اسلاید و برگزاری محافل هنری امکان نخستین آشنایی‌های عامهٔ مردم با «هنر مدرن» را ایجاد کرد. از سوی دیگر، نمایشگاه های برگزارشده در گالری آپادانا، زمینه انتشار نخستین نقدها در مورد نمایشگاه های نقاشی نوگرا را فراهم آورد. افزون بر این، سیاست های هنری بانیان این مرکز در ترویج و تثبیت گرایشات سنتی و ایرانی در نقاشی نوگرا تاثیر فراوان گذاشت.

واژگان کلیدی: نقاشی نوگرای ایران، نگارخانه، نقد هنری، گرایش های سنتی در نقاشی نوگرا

مقدمه

با رشد و گسترش هنر نوگرا در ایران، ضرورت ایجاد مکانی ثابت و مستقل برای نمایش آثار هنری بیش از پیش احساس می‌شد؛ اما با وجود درخواست‌های مکرر هنرمندان از مراکز مربوطه همچون شهرداری و وزارت فرهنگ و هنر، هیچ اقدامی در این زمینه انجام نمی‌پذیرفت. اگر هنرمندان از مسئولین دولتی و فرهنگی برای نمایش آثارشان به طور موقت نیز تقاضای سالنی می‌کردند، اشکال‌تراشی‌های اداری و موانع اجرایی متعدد باعث می‌شد که در نهایت «هنرمندان تقاضای خود را پس گرفته و از مقصود صرفنظر می کردند» (ضیاءپور[1]، ۱۲۲۸، ۱). در واقع آثار نقاشان نوگرا بیشتر در مراکز و انجمن‌های فرهنگی خارجی پایتخت همچون انجمن ایران و شوروی، انجمن ایران و فرانسه و انجمن ایران و امریکا به نمایش در می‌آمد. جوادی پور[2] در این زمینه می‌گوید:

> «بر خلاف بی‌اعتنایی‌هایی که از طرف مقامات دولتی و غیر دولتی کشورمان صورت می‌گرفت، تنها انجمن‌های فرهنگی کشورهای بیگانه بودند که در این گونه موارد با آغوش باز از ما استقبال می‌کردند و از نظر تبلیغ فرهنگ کشورهای خود به ما و بالعکس، فرهنگ ما به مردم کشورهای خود حاضر به هرگونه کمک در زمینه‌های فرهنگی و هنری بودند» (جوادی پور،۱۳۸۳، ۳۰ـ۳۱).

اما هنرمندان از اینکه برای نمایش آثار خود به انجمن‌های بیگانه متوسل شوند چندان راضی و خشنود نبودند. ضیاءپور در آن زمان در این زمینه می‌نویسد:

> «... هنوز هم وزارت فرهنگ (که در هر اقدام فرهنگی باید پیشقدم باشد) نتوانسته است با داشتن وصف متصدیان امور در شعبهٔ هنرهای زیبا، محل دائم مناسب یا غیر مناسبی اقلاً برای نمایش نقاشی‌های هنرمندان فراهم کند تا هنرمندان جوان دست توسل به سوی انجمن‌های فرهنگی بیگانه دراز نکنند» (ضیاءپور، ۱۳۲۸، ۱).

سرانجام در سال ۱۳۲۸ نخستین نگارخانه[3] در ایران با نام «آپادانا،کاشانهٔ هنرهای زیبا»،[4] بدون کمک و حمایت‌های دولتی فعالیت خود را آغاز کرد. اما این مرکز نقشی فراتر از ایجاد مکانی برای نمایش و عرضه آثار پیشگامان نقاشی نوگرای ایران ایفا نمود.

هدف مقاله حاضر که با روش تحقیق توصیفی و تاریخی انجام پذیرفته، بررسی تأثیرات گالری آپادانا بر روند جریان

* استادیار دانشکده هنر و معماری دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی. f.shahroodi@iauctb.ac.ir

Archive of SID
www.SID.ir

نقاشی نوگرا است. از این رو، در پژوهش حاضر پس از بررسی چگونگی شکل‌گیری گالری آپادانا، به فعالیت‌های آن در زمینه ترویج و گسترش نقاشی نوگرا می‌پردازیم. در ادامه، تأثیر این مرکز در ایجاد زمینه نگارش نقد در خصوص نقاشی نوگرا مورد بررسی قرار خواهد گرفت. بخش بعدی این مقاله به مطالعهٔ گالری آپادانا در زمینه ترویج و حمایت از گرایشات سنتی در نقاشی نوگرا اختصاص یافته است. در پایان به دلایل فعالیت کوتاه‌مدت این گالری خواهیم پرداخت.

برای دستیابی به هدف پژوهش، از روش کتابخانه‌ای و میدانی در جمع‌آوری اطلاعات استفاده شده است. در واقع علاوه بر استفاده از منابع مکتوب، به منظور دست یابی به پرسش‌های پژوهش، مصاحبه های متعددی با مؤسس این مرکز انجام شد.

نحوهٔ شکل‌گیری گالری آپادانا

محمود جوادی پور که از تلاش برای جلب حمایت‌های دولتی نا امید شده بود تصمیم گرفت با همکاری حسین کاظمی[5] و امیر هوشنگ آجودانی اقدام به تأسیس مکانی برای نمایش آثار هنری نماید.[6] آنها در نبش شمال شرقی خیابان بهار واقع در خیابان شاه رضا (انقلاب فعلی) پنج دهنه مغازه را اجاره کرده و چند هفته بعد آپارتمان کوچکی که پشت مغازه‌ها قرار داشت را نیز به فضای نگارخانه افزودند.[7] هر یک از افراد قسمتی از درآمد ماهیانه خود را برای تأمین هزینهٔ اجاره و ادارهٔ محل اختصاص دادند. نام «آپادانا، کاشانهٔ هنرهای زیبا» برای نگارخانه انتخاب شد. طراحی و ساخت نشان و پوستر آن را نیز جوادی پور به عهده گرفت (تصاویر ۱ و ۲).

تصویر ۱ : محمود جوادی پور، نشان گالری آپادانا

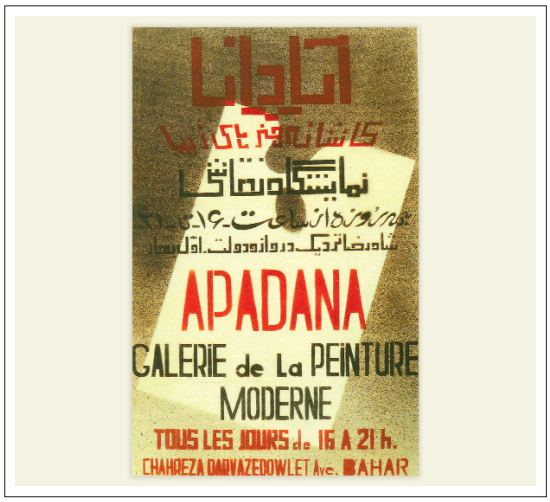

تصویر ۲: محمود جوادی پور، پوستر گالری آپادانا، ۱۳۲۷

به این ترتیب در روز دوم مهرماه سال ۱۳۲۸ اولین نگارخانهٔ ایران با نمایش آثاری از محمود جوادی‌پور، حسین کاظمی، جلیل ضیاءپور و احمد اسفندیاری گشایش یافت. نمایشگاه به طور غیرمنتظره‌ای مورد استقبال مردم واقع گشت. خبر افتتاح آپادانا در بیشتر روزنامه‌های روز بعد به چاپ رسید. پس از چند روز، رادیو نیز در برنامه‌های خود ساعت کار و برنامه‌های آن را همچون کتابخانه‌ها و موزه‌ها پخش می کرد.

فعالیت‌ها در زمینه ترویج و گسترش نقاشی نوگرا

برگزاری نمایشگاه‌های هنری از جمله برنامه‌های ثابت گالری آپادانا محسوب می‌شد. در واقع پیش از این آثار نقاشان نوگرا بیشتر در مراکز و انجمن‌های فرهنگی خارجی در پایتخت به نمایش در می‌آمد. گالری آپادانا نخستین مرکز ایرانی بود که به طور ثابت و دائمی به نمایش آثار هنرمندان مدرن اقدام نمود.

نمایشگاه‌های برگزار شده مورد استقبال مردم واقع شده و روز به روز بر تعداد بازدیدکنندگان اضافه می‌گشت. در واقع آپادانا به یک مرکز تجمع یا پاتوق هنری تبدیل شده بود که به ویژه در روزهای افتتاحیه عده‌ای از هنرمندان در آن گرد هم جمع شده و در مورد مسائل هنری با هم به بحث و گفتگو می‌نشستند. بازدیدکنندگان نیز در طول مدت نمایشگاه با هنرمندان به گفتگو پرداخته و در خصوص سؤالات خود در زمینه آثار ارائه شده توضیحاتی را دریافت می‌کردند. جوادی‌پور در زمینهٔ تعداد بازدیدکنندگان از نمایشگاه‌های برگزار شده در این مرکز اظهار می‌دارد که در طول فعالیت گالری آپادانا در حدود پنج الی شش هزار نفر از آن دیدن کردند (جوادی‌پور، ۱۳۸۸). این تعداد با توجه به مدت محدود فعالیت گالری آپادانا، زمان شروع رسمی آموزش هنر نوگرا در ایران[8] و همچنین جمعیت آن زمان در تهران، قابل تأمل است. در واقع در زمان تأسیس گالری آپادانا، چند سالی از

Archive of SID
www.SID.ir

شروع رسمی آموزش نقاشی نوگرا در ایران نمی‌گذشت و شناخت و آگاهی عموم مردم و حتی علاقه مندان به ادب و هنر از این نوع آثار نسبت به امروز بسیار اندک و ناچیز بود. در واقع آپادانا پس از مدت کوتاهی به عنوان یک مرکز فعال در زمینه معرفی نقاشی نوگرا -که در آن زمان در ابتدای راه خود قرار داشت- شناخته شد و توانست علاقه و توجه هنرمندان و هنردوستان زیادی را به این جریان جلب کند.

پس از گذشت چند هفته از تأسیس گالری آپادانا، کلاس های آموزش نقاشی نیز به برنامه های آن اضافه شد که تدریس آن را جوادی‌پور و کاظمی به عهده گرفتند. علاوه بر این، هر هفته چندین فیلم هنری نیز در این مرکز به نمایش در می‌آمد که موضوعاتی همچون زندگی هنرمندان، نمایشگاه‌های هنری و مجموعه آثار موزه‌های مشهور جهان را در بر می‌گرفت. نمایش اسلاید و برگزاری جلسات سخنرانی نیز از دیگر فعالیت‌های این گالری محسوب می‌شد.

از دیگر فعالیت‌های گالری آپادانا می‌توان به ایجاد محافل هنری اشاره کرد که با هدف فراهم نمودن امکان بحث وگفتگو در زمینه هنر و همچنین کمک به شرایط اقتصادی این مرکز شکل گرفت. در واقع فعالیت‌های آپادانا به تدریج گسترش می‌یافت و حقوق بانیان آن دیگر تأمین کنندهٔ هزینه‌های این مرکز نبود؛ تلاش آنها برای دریافت حمایت های مالی از ادارهٔ فرهنگ و هنر نیز بی نتیجه ماند.[۹]

با سخت شدن شرایط اقتصادی آپادانا، برخی افراد متمول با اهداف اقتصادی پیشنهاد همکاری و شراکت با این مرکز را عنوان نمودند که مورد قبول گردانندگان آن واقع نگشت. محمود جوادی‌پور در این زمینه می‌نویسد:

> «همهٔ آنها بیشتر سودای سود و دخالت مستقیم در کار ما را در سر می‌پروراندند که به هیچ وجه با هدف و تفکر ما جور درنمی آمد» (مجابی،۱۳۷۶، ص ۱۲۰).

سرانجام اداره کنندگان آپادانا تصمیم گرفتند که در محل گالری، هفته ای یک بار گردهمایی برگزار کرده و از راه درآمد فروش بلیط های آن، مخارج گالری را تأمین نمایند. در این محافل فقط هنرمندان، خانواده‌های آنها و افراد آشنا و شناخته شده شرکت داشتند. بلیط ها از یک هفته قبل از طریق دوستان و آشنایان نزدیک فروخته می‌شد. تعداد میهمانان از سیصد نفر تجاوز نمی‌کرد. معمولاً ساعتی پس از شروع گردهمایی، بحث و گفتگوهای هنری شروع می‌شد. مدعوین به صورت گروه‌های کوچک، اطراف هنرمندان حلقه زده و به توضیحات آنها در مورد تابلوهای نمایشگاه گوش می‌سپردند و سرانجام پس از چندین ساعت بحث و گفتگو، تجمع هنری- فرهنگی آنها خاتمه می یافت. گردهمایی های مذکور با استقبال مدعوین مواجه شد و به این ترتیب نه تنها مخارج مالی آپادانا تأمین می‌شد بلکه هر هفته عده‌ای از مردم نیز به گالری می‌آمدند و ضمن آشنایی با آثار هنری مدرن به بحث و تبادل نظر در مورد آنها می‌پرداختند.

جوادی‌پور در جایی در مورد ایده‌ها و برنامه های آیندهٔ خود در آن زمان می گوید:

> «قصد اصلی من این بود که به تدریج فعالیت‌های آپادانا را گسترش داده و آن را تبدیل به یک «آکادمی» کوچک کنم. مرکزی برای تجمع هنرمندان که بتوان شرایط و امکاناتی که در دانشکده‌ها و مراکز دیگر فراهم نبود را در آن ایجاد کرد. امکانات و فعالیت‌هایی مانند داد و ستدهای هنری با موزه‌ها و مراکز دانشگاهی مختلف دنیا در زمینه‌هایی چون آموزش هنر، برگزاری سخنرانی و نمایش فیلم، معرفی هنرمندان ایرانی و برگزاری نمایشگاه‌های هنری در کشورهای دیگر، دعوت از هنرمندان خارجی و معرفی آخرین دستاوردهای هنری معاصر و جذب کمک‌های مالی. در واقع هدف ما این بود که فعالیت‌های هنری از محدودهٔ کوچک خود در آن زمان فراتر رود» (جوادی‌پور، ۱۳۸۶ب).

با نگاهی گذرا به فعالیت‌های گالری آپادانا درمی یابیم که عنوان" کاشانهٔ هنرهای زیبا " چندان هم نامی مبالغه‌آمیز برای آن به شمار نمی‌رود؛ تنوع و گوناگونی فعالیت‌های هنری این مرکز، که در زمان خود بسیار پیشتازانه می‌نمود اهمیت و جایگاه آن را فراتر از یک نگارخانه صرف قرار می‌دهد.

ایجاد زمینه نگارش نقد در خصوص نقاشی نوگرا

یکی از تأثیرات گالری آپادانا در جامعهٔ هنری آن زمان نقدهایی بود که در مورد نمایشگاه‌های این مرکز در مطبوعات به چاپ می‌رسید. پیش از این برخی نویسندگان به طور پراکنده نقدهایی در خصوص نمایشگاه های برگزار شده در مراکز و انجمن های فرهنگی خارجی در پایتخت را در جراید منتشر نموده بودند. اما نمایشگاه های مذکور تنها به هنر مدرن اختصاص نداشت و جریان های هنری دیگر در آن زمان همچون مکتب کمال‌الملک را نیز در بر می‌گرفت. اما با شروع فعالیت گالری آپادانا و اختصاص نمایشگاه‌های آن به نقاشی نوگرا، نخستین نقدهایی که تنها به جریان نقاشی نوگرا می‌پرداخت نوشته شد. در واقع انعکاس نمایشگاه‌های هفتگی آپادانا در صفحات روزنامه‌ها و مجلات، جریان نقد را رونق و گرمی خاصی بخشیده بود. معمولاًدر این صفحات، ستونی با عنوان «آپادانا» در نظر گرفته می شد که در آن افرادی همچون جلیل ضیاءپور، جلال آل احمد، احمد صادق، سیروس رامتین و دیگران نقدهایی را در مورد آثار به نمایش درآمده این مرکز به چاپ می رساندند.

یکی از مهم‌ترین انگیزش‌ها یا عوامل مؤثر در نگارش

Archive of SID

www.SID.ir

نقدهای مذکور، برگزاری محافل و گردهمایی ها در این مرکز بود. همان طور که پیش از این گفته شد فضای بحث و نظر در این گردهمایی‌ها غالب بود. در واقع نقاشی نوگرا برای بسیاری از بازدیدکنندگان ناآشنا و نامانوس می‌نمود و هنرمندان و نویسندگان سعی می‌کردند که دیدگاه‌های خود در خصوص آثار به نمایش در آمده را برای حضار بیان کنند. در این گردهمایی‌ها، برخی از هنرمندان پرشور همچون جلیل ضیاءپور ترغیب شدند که دیدگاه‌های خود را به شکل نقد منتشر کنند. از سوی دیگر برخی هنردوستان همچون جلال آل احمد که دستی در نوشتن داشتند نیز با آشنایی بیشتر نسبت به نقاشی نوگرا به نگارش نقد در این زمینه پرداختند.

ترویج و حمایت از گرایش های سنتی در نقاشی نوگرا

همان طور که پیشتر اشاره شد گالری آپادانا پایگاهی فعال و مؤثر در ترویج نوگرایی محسوب می‌شد. در این جا می‌توان این پرسش را مطرح نمود که نحوهٔ برخورد مدیران این مرکز با ارزش‌ها و سنت‌های هنر ایران چگونه بود؟ به عبارت دیگر آیا آنها بی‌اعتنا به این ارزش‌ها و معیارها، در مسیر فعالیت‌ها و برنامه‌های مترقی خود پیش می‌رفتند یا می‌توان در معیارها و سلائق هنری آنها گرایش‌های سنتی و ایرانی یافت؟

پیش از هرگونه بررسی، نام این مرکز و طراحی نشان آن ما را به یک پیش داوری نسبی در خصوص پرسش‌های فوق می‌رساند. در واقع نشانه‌ها و عناصر به کار رفته در نشان آپادانا ریشه در میراث فرهنگی و هنری ایران باستان داشت. جوادی‌پور در این زمینه می‌گوید:

> «دو فیگور اصلی این آرم، زن و مردی ایرانی هستند که پوشش آنها مربوط به ایران باستان است و مشعلی به نشانهٔ روشنایی و فرهنگ را در دست دارند. المان‌هایی از معماری ایرانی در پس زمینه به کار رفته و گل لوتوس هم یکی از نقوشی است که در تخت جمشید کار شده است. قسمتی از یک پالت نقاشی در قسمتی دیگر دیده می‌شود و خطوط مواج زمینه که البته کارکردی تزیینی دارند» (جوادی‌پور، ۱۳۸۶ الف).

افزون بر نام و طراحی نشان گالری می‌توان تمایل و گرایش بانیان گالری آپادانا به فرهنگ و هنر ایرانی را در آثار هنری آنها نیز جستجو کرد. یکی از نمایشگاه‌های برگزار شده در آپادانا شامل مجموعه‌ای از آثار حسین کاظمی می‌شد که حاصل سفر او به کردستان بود. نمایشگاه مذکور که زندگی و فرهنگ مردم کردستان موضوع اصلی آن را تشکیل می‌داد نظرهای زیادی را به خود جلب کرد و کارشناسان و نویسندگان، نقدهای متعددی را در خصوص آن به چاپ رساندند. (تصویر ۳)

تصویر۳ : حسین کاظمی، مجموعه کردستان، ۱۳۲۸

احمد صادق در مورد این نمایشگاه می نویسد:

> «ایشان، همان طور که وظیفهٔ یک هنرمند واقعی است به میان مردم رفته اند و خصوصیات زندگیشان را تا آنجا که ممکن بود با رنگ‌هایی که اصالت محلی خود را حفظ کرده، مجسم ساخته‌اند. انسانی که قلم ایشان روی پرده آورده است از موهای سر تا انگشتان پا «کُرد» می‌باشند» (صادق، ۱۳۲۸ ب، ص۸).

از سوی دیگر طبیعی می‌نمود که هنرمندان یا نویسندگانی که با معیارهای هنری بانیان گالری آپادانا همسو بودند جذب این مرکز شوند. در واقع بسیاری از آثار به نمایش درآمده در این مرکز دارای موضوعات و مضامین بومی و ملی بودند. هنرمندان این آثار با بهره‌گیری از پوشاک، رنگ‌ها و مکان‌های بومی و ملی، آثاری می‌آفریدند که با وجود پیروی از زبان و بیان مدرن، رنگ و بویی ایرانی داشت. با رجوع به نقدهای نویسندگانی که از نمایشگاه‌های این مرکز بازدید می‌کردند نیز می‌توان دریافت که از نظر آنها آثاری که رنگ و بویی ایرانی داشتند از ارزش و اعتبار بیشتری برخوردار بودند. در زمینه دو مورد مذکور می‌توان به آثار هنری جلیل ضیاءپور یا نقدهای نویسندگانی چون جلال آل احمد و همچنین احمد صادق اشاره کرد. جلال آل احمد در خصوص یکی از نمایشگاه های گروهی آپادانا این گونه می‌نویسد:

> «بهترین کار ضیاءپور «مسجد سپهسالار» اوست که کوبیست است و موضوعش اقلاً ایرانی است ... پزشک‌نیا[۱۰] هم «امپرسیونیست» کار کرده هم «کوبیست». در میان کارهای امپرسیونیست او «چهرهٔ زن و کاشی» جالب‌تر از همه است که در آن نقاش امپرسیونیست را با محیط کاشی‌کاری شدهٔ ایران آشنا ساخته و از آن میان بهترین تابلوهای خود را به وجود آورده است. در کارهای کوبیست پزشک نیا «خانهٔ دهقانی» از بهترین کارها است که باز رنگ و روی

Archive of SID

www.SID.ir

زندگی ایران را در خود حس کرده است و اضافه بر آن زندگی بی پشتیبان و بی آینده دهقان ایرانی را نمودار ساخته است» (آل احمد، ۱۳۲۸، ۴-۵).

احمد صادق در خصوص یکی دیگر از نمایشگاه های برگزار شده در آپادانا می نویسد:

«[بیننده] در میان آن همه تابلو های قد و نیم قد و رنگ به رنگ، فقدان یک عنصر بزرگ، عنصری که از هنر صحیح انفکاک پذیر نیست، یعنی «عنصر ملی»[11] را حس می‌کند» (صادق، ۱۳۲۸ الف، ص۱).

همان‌گونه که از عبارت فوق استنباط می شود از دیدگاه نویسنده، معیار یک اثر هنری قابل قبول پیش از هر چیز وجود «عنصر ملی» است. وی در ادامه توضیح می دهد که گرچه مهدی ویشکایی موضوعاتی چون باغ محتشم، الهیه، چیذز و مرداب پهلوی را به تصویر کشیده است اما «یک منظره ساز بخصوص وقتی نام امپرسیونیست بر خود می‌گذارد، باید بیش از همه متوجه «رنگ محلی» یا Local - colour باشد. مثلاً منظرهٔ «کنار دریا» کار آقای ویشکائی(که گویا کنار دریای خزر باشد) چه فرقی با اثر یک منظره ساز فرانسوی از کنار دریای مانش می‌تواند داشته باشد؟ چه چیز در این تابلو می توان یافت که بر روی ایرانی بودن آن بشود تکیه کرد؟» (همان). در واقع به اعتقاد او تنها به کارگیری موضوعات ایرانی و بومی کافی نیست، بلکه کلیّت اثر باید ایرانی به نظر برسد. صادق در ادامهٔ نقد خود می‌نویسد:

«اما «پشت ویترین»، پشت یک ویترین ایرانی نیست ... «اطاق اداره» از لحاظ ترکیب و قوت رنگ بسیار قویست اما باز هم یک اطاق ایرانی نیست از این اطاق‌های کار در ادارات آمریکا و احیاناً اروپا خیلی زیاد می‌توان دید» (همان).

پس از مطالعه و بررسی نقدهایی که در مورد نمایشگاه‌های گالری آپادانا نوشته شده است می توان اینگونه استنباط کرد که گرایش‌های سنتی در این آثار به ویژه در زمینهٔ موضوعات و مضامین بومی و ایرانی وجود داشته است. از سویی دیگر آثاری از این دست مورد تأیید و حمایت منتقدین واقع می‌گشت؛ چراکه از دیدگاه آنها «ایرانی بودن» یکی از مهم ترین معیارهای ارزیابی این آثار بود. نویسندگان نقد های مورد بحث، با استفاده از واژگانی چون «عنصر ملی»، «هنرمند ملی»، «رنگ محلی»، «تم‌های ملی» و «رنگ هایی با اصالت محلی» به ارزیابی آثار به نمایش در آمده در این مرکز می‌پرداختند. در واقع با توجه به محدودیت نمایشگاه‌های برگزار شده از آثار نقاشان نوگرا تا آن زمان، متون مذکور از نخستین نقدهای چاپ شده در خصوص آثار نوگرا با گرایش‌های سنتی به شمار می‌آیند.

پایان کار گالری آپادانا

پس از رفع مشکلات مالی آپادانا، فعالیت‌های هنری این مرکز با موفقیت ادامه یافت تا آنکه حادثه‌ای ناگوار آن را به تعطیلی کشاند. رضا جرجانی، منتقد هنری و استاد دانشگاه که از دوستان نزدیک اداره کنندگان گالری آپادانا نیز محسوب می‌شد برای ایراد یک سخنرانی دربارهٔ «هنر و هنرمند» اعلام آمادگی کرده بود. روز ۲۴ فروردین ۱۳۲۹ به عنوان روز سخنرانی انتخاب شد و از اساتید و هنرمندان دعوت به عمل آمد.

در روز سخنرانی جمعت زیادی به گالری آپادانا آمده بودند. عده‌ای نیز به دلیل کمبود صندلی در اطراف سالن ایستاده بودند. سرانجام جرجانی سخنرانی خود را آغاز کرد. وی ضمن تأکید بر کمال جویی هنرمندان واقعی به این نکته اشاره کرد که آنها معمولاً از آثار هنری خود راضی نیستند و حتی گاهی اوقات پس از اتمام کار مایلند که آن را به نحوی از بین ببرند تا اثری کامل تر خلق کنند. سپس جرجانی برای انتقال بهتر مقصود خود یکی از رباعی‌های معروف خیام را برای حضار خواند:

جامی است که عقل آفرین می زندش
صد بوسه زمهر بر جبین می زندش
استاد ازل بین که چنین جام لطیف
می‌سازد و باز بر زمین می‌زندش

پس از اتمام رباعی، جرجانی لیوان را برداشته و جرعه ای آب نوشید. ناگهان لیوان از دستش رها شد و او نیز بر زمین افتاد. چند تن از مدعوین که پزشک بودند به سویش شتافتند اما پس از معاینهٔ وی، مرگش را کاملا طبیعی اعلام کردند.

پس از این حادثهٔ غیر منتظره آپادانا برای مدت کوتاهی به کار خود ادامه داد اما گردانندگان آن دیگر تمایلی به ادامهٔ فعالیت‌های خود در این مرکز نداشتند. سر انجام آپادانا به طور موقت تعطیل شد تا در جایی دیگر کار خود را از سرگیرد. اما این امر هرگز محقق نشد.

نتیجه‌گیری

«گالری آپادانا» به دلیل نیاز ها و مقتضیات جامعهٔ هنری آن روز ایران از محدودهٔ تعاریف و وظایف شناخته شدهٔ یک نگارخانه فراتر رفته و نقش مهم و ماندگاری در هنر معاصر ایران از خود بر جای گذاشت. اگرچه این گالری اندکی پس از تأسیس از ادامه مسیر خود باز ماند اما به دلیل فعالیت‌های متنوع، نوع آثار به نمایش در آمده و انعکاس آنها در عرصه مطبوعات، نمی توان نقش آن را در روند شکل گیری و تثبیت نقاشی نوگرای ایران و همچنین در آشنا ساختن عامهٔ مردم با این جریان نادیده گرفت. در واقع این مرکز تنها به نمایش آثار نقاشان نوگرا بسنده نکرده و با انجام فعالیت های متنوعی چون برگزاری سخنرانی، کلاس‌های

Archive of SID

www.SID.ir

آموزش نقاشی، نمایش فیلم و اسلاید و برگزاری گردهمایی‌های هنری، زمینهٔ نخستین آشنایی‌های عامهٔ مردم با «نقاشی مدرن» را فراهم آورد.

یکی دیگر از ویژگی‌های گالری آپادانا، ایجاد فضایی پویا و آکنده از بحث و گفتگوهای هنری بود که در روزهای افتتاحیه و یا گردهمایی‌های هفتگی، پر شورتر می‌نمود. تبادلات نظرات مختلف در این مرکز به امری شفاهی محدود نماند و به صورت نقدهای هنری در مطبوعات آن زمان انعکاس یافت. حضور نویسندگانی چون جلال آل احمد در این گالری و آشنایی آنها با زبان نقاشی مدرن از یک سو و همچنین تمایل برخی هنرمندان چون جلیل ضیاءپور به مکتوب کردن دیدگاه‌های هنری خود، به انتشار نخستین نقدهای نقاشی نوگرا در مطبوعات آن زمان انجامید. نوشته‌های مذکور نه تنها بر خلاف اندک نقدهای منتشر شده در سال‌های قبل، صرفا به نقاشی نوگرا اختصاص داشتند بلکه از نخستین نقدها در زمینهٔ گرایشات سنتی در نقاشی نوگرای ایران به شمار می‌آیند.

از سوی دیگر سیاست‌های هنری این مرکز در ترویج و تثبیت گرایشات سنتی و ایرانی در نقاشی نوگرا تأثیر فراوان گذاشت. این امر در طیف وسیعی از موارد مختلف چون نام این مرکز و طراحی نشان آن، آثار به نمایش در آمده در این گالری و همچنین آثار هنری بانیان آن قابل بررسی است.

پی‌نوشت

۱- جلیل ضیاءپور (۱۳۷۸-۱۲۹۹) یکی از پیشگامان نقاشی نوگرای ایران، وی به منظور ترویج افکار خود به تأسیس مجله و انجمن «خروس جنگی» اقدام نمود و به عنوان نقاشی پیشتاز، پرچمدار نهضت نوین نقاشی ایران شد.

۲- محمود جوادی پور(۱۲۹۹)، نقاش، گرافیست و مدرس هنر

۳- «نگارخانه» واژه‌ای است که امروزه در مقابل واژهٔ انگلیسی «گالری» به کار برده می شود.

۴- اگر چه عنوان کامل این مرکز «آپادانا، کاشانه هنرهای زیبا» است اما در محافل و متون هنری به «گالری آپادانا» شهرت دارد.

۵- حسین کاظمی(۱۳۷۵-۱۳۰۳)، نقاش و مدرس هنر، وی علاوه بر آثار فیگوراتیو، در زمینهٔ هنر انتزاعی نیز آثاری خلق نمود.

۶- در اوایل سال ۱۳۲۸ نمایشگاهی از آثار محمود جوادی‌پور، حسین کاظمی، احمد اسفندیاری و مهدی ویشکایی در «انجمن فرهنگی ایران و فرانسه» به نمایش در آمد. جوادی‌پور در خصوص این نمایشگاه می نویسد: «این نمایشگاه بی اندازه موفق بود و تعدادی از آثارمان نیز خریداری شد» (جوادی پور، ۱۳۸۳، ۳۱). به نظر می رسد موفقیت هنری و اقتصادی این نمایشگاه در ترغیب بانیان «گالری آپادانا» برای تأسیس مکانی که به نمایش آثار هنری اختصاص داشته باشد بی تأثیر نبود.

۷- جوادی پور در مصاحبه ای ذکر می کند که گالری شامل یک دفتر، دو سالن کوچک و بزرگ برای برگزاری نمایشگاه ها، یک اتاق و یک آشپزخانه بود. در طبقهٔ زیر زمین نیز اتاقی وجود داشت که حسین کاظمی از آن به عنوان محل کار و زندگی استفاده می‌کرد (مجابی،۱۳۷۶، ۱۲۰).

۸- با تأسیس «هنرکده هنرهای زیبا» در سال ۱۳۱۹، به طور رسمی آموزش هنر نوگرا در ایران آغاز شد. این مرکز که وابسته به دانشگاه تهران بود در دهه ۲۰ به «دانشکده هنرهای زیبا» تغییر نام داده و به عنوان یکی از دانشکده های دانشگاه تهران به کار خود ادامه داد.

۹- گالری آپادانا هزینه های خود را از طریق فروش آثار، فروش بلیط ورودیه به مبلغ پنج ریال ، پرداخت حق عضویت اعضاء و همچنین مبالغی که بانیان آن به طور شخصی صرف این مرکز می کردند اداره می شد.

۱۰- هوشنگ پزشک نیا (۱۳۵۱-۱۲۹۶) از جمله پیشگامان نقاشی نوگرای ایران، گرچه برخی پزشک نیا را نخستین هنرمند ایرانی «که پا به عرصهٔ مدرنیسم نهاد» (پاکباز،۱۳۷۸، ۱۲۳) می دانند اما به سبب گوشه گزینی، تردیدها و کشمکش های درونی نتوانست نقشی فعال در تحولات نقاشی معاصر داشته باشد.

۱۱ - به نظر می رسد منظور از «عنصر ملی»، اثری است که صرف نظر از موضوع یا تکنیک مورد استفاده در آن، در مجموع اثری ایرانی به نظر برسد.

فهرست منابع تصاویر

تصویر ۱: جوادی پور، محمود، در میان راز مشتاقان: مروری بر زندگی و آثار استاد محمود جوادی پور، چاپ اول، تهران، فرهنگستان هنر، ۱۳۸۳

تصویر ۲: همان

تصویر ۳: صادق، احمد، آپادانا، پیک. شمارهٔ ۱۵، ۱۳۲۸ ب

فهرست منابع

الف) **کتاب ها و مقالات**

۱- آل احمد، جلال، نمایشگاه نقاشی در آپادانا، مهر، شمارهٔ ۵، ۱۳۲۸

۲- پاکباز، رویین، دایرةالمعارف هنر (نقاشی، پیکره سازی و هنر گرافیک)، چاپ اول، تهران، فرهنگ معاصر، ۱۳۷۸.

۳- جوادی پور، محمود، در میان راز مشتاقان: مروری بر زندگی و آثار استاد محمود جوادی پور، چاپ اول، تهران، فرهنگستان هنر، ۱۳۸۳.

۴- صادق، احمد،آپادانا، پیک. شمارهٔ۱۱، ۱۳۲۸ الف.

۵- صادق، احمد، آپادانا، پیک. شمارهٔ ۱۵، ۱۳۲۸ ب.

۶- ضیاءپور، جلیل، نقاشی های پزشک نیا در آپادانا ، مهر، شمارهٔ ۲۱۹۸، ۱۳۲۸.

۷- مجابی، جواد، پیشگامان نقاشی معاصر ایران ، چاپ اول، تهران، نشر هنر ایران، ۱۳۷۶.

ب) **مصاحبه‌ها**

۱- جوادی‌پور، محمود، گالری آپادانا. مصاحبه‌کننده: فاطمه شاهرودی. ۱۳۸۶ الف.

۲- جوادی‌پور، محمود، گرایشات سنتی در نقاشی نوگرا، مصاحبه‌کننده: فاطمه شاهرودی، ۱۳۸۶ب.

۳- جوادی‌پور، محمود، نمایشگاه‌های برگزار شده در گالری آپادانا، مصاحبه‌کننده: فاطمه شاهرودی، ۱۳۸۸.

Archive of SID

www.SID.ir